

فریدون آدمیت و ماجرای بحرین

دبلیو. جی. واگنر
ترجمه هاشم بناءپور

- فریدون آدمیت
- جزایر بحرین
- (تحقیق حقوقی و دیپلماتیک
- مناقشه ایران و انگلستان)
- نیویورک، انتشارات فردریک آ. پراگر
- ۱۹۵۵، ۲۶۸ صفحه
- Fercydoun Adamiyat
- Bahrein Islands
- (A Legal and Diplomatic study
- of the British - Iranian Controversy)
- New York: Frederick A. Praeger, Inc.
- 1955, pp 268

دکتر آدمیت با روایتی روشن و گیرا تاریخ پرحادثه جزایر بحرین و نیز پیشینه تاریخی خلیج فارس را ارائه می‌دهد، و بر مبنای تفسیر حقایق تاریخی وضعیت این جزایر را از جنبه حقوق بین‌الملل تجزیه و تحلیل می‌کند.

چهارینجم کتاب به واقع به تاریخ تعلق دارد و بخش گسترده آن به رابطه دیپلماتیک ایران و انگلیس در خلیج فارس که منطقه‌ای است با اهمیت سوق‌الجیشی و دارای منابع غنی طبیعی.

در نظرها فریدون آدمیت، از دوران باستان، این جزایر تحت‌الحمایه ایران بوده‌اند و با پیدایش سیاست استعمارگری، این جزایر برای یک سده به دست پرتغالی‌ها افتاد. در آغاز قرن هفدهم، پس از بازگشت حاکمیت این جزایر به سرزمین اصلی، ایران با تمام قدرت حاکمیت خود را بر این جزایر اعمال کرد و مانع نفوذ گسترده هلندی‌ها و فرانسویان در منطقه خلیج فارس شد. اما با هجوم عرب‌زبانان از تعداد ساکنان ایرانی جزیره کاسته شد و بر مبنای محاسبات دکتر آدمیت به نصف کلی جمعیت تقلیل یافت که در جمع بین صد تا صد و بیست هزار نفر بودند.

در قرن هجدهم نفوذ بریتانیا در منطقه خلیج فارس فزونی یافت. در آغاز سده نوزدهم این نفوذ بریتانیا قوی‌تر شد. همزمان پیشنهادهایی مبنی بر ایجاد پایگاهی دائمی

BAHREIN ISLANDS

*A Legal and Diplomatic Study of
the British-Iranian Controversy*



پرو، شادگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

by

FEREYDOUN ADAMIYAT, Ph.D.

در یکی از این جزایر ارائه شد. به واقع گسترش دزدی دریایی در منطقه بازرگانی بریتانیا را فلج کرده بود. در سال ۱۸۱۹ با نخستین یورش دریایی بریتانیا به خلیج فارس دزدان دریایی سرکوب شدند. سال بعد، قراردادی بر ضد دزدان دریایی بین کمپانی هند شرقی و شیوخ عرب امضاء شد که شیخ بحرین نیز در آن جلسه حضور داشت. در همان سال قوای بریتانیا جزیره قشم در خلیج فارس را تصرف کرد، اما این اشغال موقتی بود. به سال ۱۸۲۲ کاپیتان بروس، نماینده بریتانیا در بوشهر قراردادی با حاکم ایرانی ایالت فارس امضا کرد و طی آن حاکمیت ایران را بر بحرین تأیید کرد. ایران اهمیت بسیاری برای این قرارداد قائل است، اگرچه این قرارداد نه تأیید شد نه تنفیذ، و کاپیتان بروس به سبب این ابتکار توجیه‌ناپذیر مقام و منصب خود را از دست داد.

به سال ۱۸۶۰ شیخ محمد بحرینی حمایت خود را از ایران اعلام کرد، اما سال سپس تر زیر فشار بریتانیا در مقام حاکمی مستقل، قرارداد صلح و دوستی با نماینده بریتانیا در خلیج فارس را امضاء کرد. به رغم این قرارداد شیخ بر طرفداری خود از شاه ایران تأکید کرد. این امر موجب دخالت نظامی بریتانیا در سال ۱۸۶۸ شد، که بر اثر آن شیخ از مقام خود برکنار گردید و برادرش به جای او نشست.

شیخ محمد با توسل به قدرت نظامی سرکار بازگشت و در پی آن ناآرامی‌هایی بروز کرد، بریتانیا هم از دخالت ایران برای حل مشکلات ممانعت کرد، و با دخالت مستقیم به دستگیری شیوخ ضد بریتانیایی پرداخت. و سر علی را در مقام شیخ جدید منصوب کرد و اعتراض‌های مکرر ایران به این انتصاب غیرقانونی به جایی نرسید.

با فرمان‌های ۱۸۸۰ و ۱۸۸۲، شیخ بحرین خود را متعهد کرد که بدون جلب توافق دولت بریتانیا با دولت‌ها و حکومت‌های خارجی مذاکره‌ای انجام ندهد و قراردادی با آنان امضاء نکند. بریتانیا مدعی بود که فرمان‌های پیش‌گفته این جزایر را تحت‌الحمايه آنها قرار داده است، و به سال ۱۹۱۳ شورای بریتانیایی تعیین وضعیت بحرین، این جزایر را جزو مایملک یا کلنی پادشاهی بریتانیا رده‌بندی کرد. بر همین اساس، قوانین مدنی و جزایی بریتانیایی که در هند اعمال می‌شد، در آنجا هم پیاده شد. وضعیت پیش‌گفته از سال ۱۹۱۹ اجرا شد و مناصب اداری این جزایر به نماینده بریتانیا در بحرین سپرده شد. شیوخ ضد بریتانیایی را به هند تبعید کردند و خود شیخ که در برابر این اعمال مقاومت کرده بود، به اجبار از مقام خود برکنار شد، و جزایر به طور رسمی تحت‌الحمايه بریتانیا خوانده شد. قوانین نوینی چون ملیت بحرینی، ثبت احوال و مقررات گذرنامه بحرینی به تصویب رسید که هدف اصلی از آنها ضدیت با ایران بود.

در همین گیرودار، معضل نفت پیش آمد، شیخ بحرین پذیرفت که با تأیید دولت بریتانیا تأسیسات نفتی خود را بنیان گذارد. به سال ۱۹۲۵، یک شرکت بریتانیایی امتیاز استخراج نفت را به دست آورد، اما سپس تر آن را به استاندارد اویل و کمپانی تکراس وا گذاشت. ایران به همه این تغییرات و دگرگونی‌ها اعتراض کرد و شکایت به جامعه ملل برد، سپس تر نیز در سازمان ملل متحد بر این ادعا پا فشرد.

دکتر آدمیت بر مبنای حقایق تاریخی پیش‌گفته، استدلال می‌کند که ادعای ایران درباره بحرین شالوده‌درستی دارد. تز اصلی او در این خلاصه می‌شود که حاکمیت ایران بر بحرین هیچ‌گاه از بین نرفته است. شیخ این جزیره حاکمی مستقل نبوده و اختیار امضای پیمان‌نامه‌ای را ندارد. افزون بر این، فرامین پیش‌گفته بر اثر فشار بریتانیا صادر شده است. و بالطبع باید باطل اعلام شوند. استدلال مطرح دیگر این است که در اغلب تبدلات بین بریتانیا و شیوخ، از جمله قرارداد ۱۸۲۰، طرف بریتانیایی، کمپانی هند شرقی بود و دولت نمی‌تواند از منافع قانونی آنها بهره‌مند شود.

از دیگر سو، دولت ایران هیچ‌گاه حق حاکمیت خود را به بریتانیا انتقال نداده و هرگز به وضعیت بدون بازگشت که بریتانیا موجد آن در بحرین بوده، سر تسلیم فرود نیاورده است. به خلاف ادعای بریتانیایی‌ها، دکتر آدمیت با استناد به منابع موثق در حقوق بین‌الملل با قاطعیت می‌گوید به سبب این که ایران قدرت حاکمیت مطلقه نداشته، چنین تسلیمی (چه به اختیار، چه به اجبار) ضروری بود. پس مسلم است که ایران به اعتراض‌های خود بر ضد اعمال حاکمیت بریتانیا بر بحرین ادامه داده و خواهد داد، و حقی را که در سراسر تاریخ داشته است، از دست نخواهد داد.

مطالعه این اثر تحقیقی دکتر آدمیت به هر تاریخ‌نگار، دیپلمات و حقوقدان بین‌الملل پیشنهاد می‌شود.

منتشر شد:

خاطرات پل برمر

(اولین حاکم آمریکایی عراق)

ترجمه: حسن رئیس زاده

نشر آبی - خیابان کریمخان زند - شماره ۱۰۹ - تلفن: ۸۸۸۳۳۵۲۵